

فردا گوید تربی از اینجا بر کن

گذشت روزگاران موجب گردیده است، که در تألیفات عموم مؤلفان سلف بخصوص آنهایی که آثارشان بیشتر مورد توجه بوده است، بعلت استنساخ زیاد تحریف و تصحیفهایی پیدا آمده که تشخیص صحیح آن از سقیم مستلزم تحقیق و تتبع میباشد و همچنین فاصله زمانی از دوره حیات مؤلف سبب گردیده است که تعبیرات متداول ایام سلف به بوته فراموشی گراید و مآلاً به پیدائی ابهاماتی در کلام آنها منجر گردد که از جمله این موارد تعبیر «فردا گوید تربی از اینجا بر کن». در باب هشتم گلستان میباشد، بشرح زیر :

«شیطان با مخلصان بر نیاید و سلطان با مفلسان

وامش مده آنکه بی نماز است گرچه دهندش ز فاقه باز است

کو فرض خدا نمیکذارد از قرض تو نیز غم ندارد

امروز دو مرده یش گیرد مرکن فردا گوید تربی از اینجا بر کن»

نگارنده بمنظور رفع ابهام موجود در تعبیر فوق: (فردا گوید تربی از اینجا بر کن).

بشرحهای زیر مراجعه کردم .

۱- شرح سودی

۲- » خزائلی

۳- » خطیب رهبر

متأسفانه از سه شرح نامبرده در فوق شرح سودی بیت مورد بحث را نداشت و

لیکن آقای دکتر محمد خزائلی در شرح گلستان خود چنین آورده اند :

ثرب : بفتح ثاء مثلث ، بیهی است که بروی شکم یا زیر پوست گسترده شود. در

همه نسخه‌ها بجای ثربی «تربی» با ثاء دو نقطه ضبط شده است و اما ثرب برکندن با

حواله دادن و امدار به وامخواه تناسبی ندارد، مگر آنکه مراد از «اینجا» کف دست یا موضع زشتی از بدن باشد. چنانکه شارح هندی گفته: ترب بالکنایه، بجای پشم ذکر شده باشد، ثرب مناسبت و بی تکلف تر مینماید، زیرا در عرف قدیم روم، معمول چنان بوده است که اگر وام گیرنده قرض خود را نمی پرداخته، وامخواه حق داشته است قسمتی از گوشت او را ببرد، اما چنین حکمی در عرف ایران و قوانین اسلامی وجود ندارد، و اینگونه رفتار بکلی نارواست و قرض دار مفلس، امروزه به طلبکار خود میگوید: از کف من موی برکن، گویا در قدیم بجای این عبارت به طلبکار خود می گفته است: چربی از شکم من برکن. این عبارت کنایه از آن بوده که وی چیزی جز اعضای خود ندارد یا بواسطه گرسنگی، حتی شکمش فاقد پیه و چربی است و همه کس فقر و گرسنگی او را میداند و مفاد شعر آنکه: شخص غیرمندی هنگام قرض گرفتن بیش از طاقت خود و حتی بیش از امکان مالی دو نفر قرض میکند ولی چون نوبت پرداخت قرض میرسد طلبکار را بموی کف دست خود یا چربی شکم خویش حواله میدهد. (شرح گلستان تألیف دکتر محمد خزائلی ص ۷۲۰).

و همچنین آقای دکتر خطیب رهبر در شرح گلستان اینطور می نویسد. معنی بیت: وی اکنون طشت خواهندگی را چهار دسته (چهاردستی) برابر تو میدارد، تا بوام چیزی در آن ریزی و فردا چون وام باز خواهی بتو میگوید. «برو از زمین من بدل وامت ترب بیرون آر». (شرح گلستان خطیب رهبر ص ۵۶۶)

بنظر نگارنده اگرچه تحقیق در متون سلف و تفحص در آثار متقدمین و استشهاد به نتیجه آن تحقیقات راه صحیح رفع ابهامات و حل مشکلات است. لیکن بر صاحبان نظر پوشیده نیست که راههای دیگری نیز وجود دارد که با احتمال قریب بیقین به اندازه شواهد موجود در آثار پیشینیان میتواند مورد استفاده قرار گیرد که از آن جمله است مطالعه در تعبیّرات متداول امروزی. مثلاً در زبان ترکی آذربایجانی و فارسی در مورد یأس و تعلیق بمحال، تعبیّراتی میآورند که دقت در آنها برای رفع ابهامات تعبیّرات گذشتهگان

مفید است. از قبیل: دیدن پشت گوش و شاخ در آوردن شتر و مو در آوردن کف دست و یا روئیدن شن، چنانکه گویند: اگر شتر شاخ در بیاورد یا آدم پشت گوش خود را ببیند فلان کار بهمان طور میشود. و نیز در لهجه کردی در مقامی که بدهکاری قادر بادی دین خود نباشد، برای اینکه وامخواه را از سختگیری منصرف گرداند دست خود را پیش میبرد و بصورت سؤال خطاب به طلبکار خود میگوید: «له دست خالی توزهل سی؟». یعنی آیا از دست خالی گرد بر میخیزد؟ و منظورش این است که همانطوریکه از دست خالی محال است گرد برخیزد، پرداخت وام از جانب او نیز ممکن نمی باشد.

تعبیر مشابه و نزدیک به تعبیر گلستان بلکه با تغییر جای «ترب» به «چغندر» عین همان تعبیر امروز هم در مقابل طلبکاری وامخواه و عجز وامدار از پرداخت بدهی در لهجه کردی معمول است. چنانکه اشاره به کف اطاق یا کف مغازه و یا زمین کوچه و بازار میکنند و میگویند:

«له اره چونه ری به کن» «از اینجا چغندری بر کن» البته با گفتن این جمله تأدیه وام را معلق به محال میکنند نه موکول به هنگام وسع و استطاعت. با در نظر گرفتن اینکه در مطلب مورد بحث قرضدار مورد نظر مفلس غیر متدین است و حتی قرض خدا را نیز بجا نمی آورد، بدیهی است چون بعثت افلاس صاحب زمین هم نمی باشد لذا مراد از «اینجا» زمین زراعتی (تربزار) نمی تواند باشد و بهمین علت تعلیق به محال صحیحتر می نماید و معنی بیت چنین میشود:

امروز ظرف (مرکن) استقراض را به اندازه خواهندگی دو تن (دومرده) پیش میگیرد و فردا در مقابل مطالبه تو میگوید «تربی» از اینجا (از زمین سخت غیر زراعی) بر کن و چون ترب بر کنندن از زمین شخم زده و بیلکاری نشده و تخم نیفکنده محال است، لذا تأدیه وام نیز از جانب وامدار غیر متدین معلق به محال میشود.